

یکی از عناصر اصلی شهادت سید عباس فاطمیه در اغتشاشات به دار مجازات آویخته شد. به گزارش مرکز رسانه قوه قضاییه، شهید سیدعباس فاطمیه، کشاورز اهل روستای باشلان پشلو در نوشین شهر ارومیه بود که به عنوان نیروی داوطلب مردمی برای تأمین امنیت مردم در صحنه حاضر شده بود اما مورد ضرب و شتم شدید اغتشاشگران قرار گرفت و به شهادت رسید. به گفته شاهدان عینی، تعداد زیادی از اغتشاشگران او را محاصره کردند و مورد ضرب و شتم قرار دادند. متهمان اصلی حاضر در صحنه شناسایی و دستگیر شدند. یکی از دستگیرشدگان (مهراب) در اعترافات خود آورده: «در اغتشاشات

اعداد عامل شهادت مدافع امنیت

ترقه بازی با مرگ و محاکمه گره خورد

یکی از آنها از ناحیه گوش به شدت آسیب دیده بود. با روشن شدن ابعاد اولیه ماجرا، اقدامات اطلاعاتی و پلیسی برای شناسایی عاملان حادثه در دستور کار قرار گرفت. در جریان این اقدامات، کارآگاهان موفق شدند سرنخ هایی به دست آورند که نشان می داد نازنجک دستی از سوی یک جمع پنج نفره به سمت موتورسیکلت پرتاب شده است. این سرنخ مسیر تحقیقات را وارد مرحله جدیدی کرد و عملیات شناسایی متهمان با جدیت بیشتری ادامه یافت.

کارآگاهان با بهره گیری از شیوه های نوین کشف جرم و اقدامات اطلاعاتی، موفق به شناسایی هویت و مخفیگاه هر پنج متهم شدند. پس از انجام تعقیب و مراقبت های نامحسوس، متهمان در عملیات های جداگانه و منسجم دستگیر و به مقر پلیس آگاهی منتقل شدند. متهم اصلی پرونده که عامل پرتاب نازنجک دستی بوده، در جریان بازجویی های اولیه اظهار داشت که در شب حادثه به همراه دوستان خود مشروبات الکلی مصرف کرده و سپس تصمیم گرفته اند به محدوده مولوی رفته و مواد اولیه ساخت نازنجک دستی تهیه کنند. او همچنین عنوان کرد پس از بازگشت، به ساخت نازنجک های دستی اقدام کرده و در جریان پرتاب آنها به سمت خیابان، یکی از آنها به طور غیرعمد به موتورسیکلتی برخورد کرده

است. در این حادثه علاوه بر جان باختن مرد جوان، دوسرنشین دیگری نیز بر اثر شدت انفجار دچار مصدومیت شدند.



متن کامل را

در جام چم آنلاین بخوانید

حضور داشتم. به سمت ماموران حمله کردیم. دیدم سه نفر از ماموران جا مانده اند. همین که به اولین مامور رسیدیم یک نفر به او پشت پا زد و کنار درخت به زمین افتاد. بالای سرش رسیدم و یقه اش را گرفتم و با میلگرد چند ضربه به سرش زدم. این موضوع را برای افرادی تعریف کردم که چطور می توان مامور را زد،» پس از پایان تحقیقات و صدور کیفرخواست، دادگاه متهمان از جمله مهراب با حضور وکلای کارشناس اداره آگاهی، اولیای دم شهید، نماینده دادستان و هیأت قضایی تشکیل شد. افساد فی الارض برای مهراب و دو متهم دیگر احراز شد. براساس دادنامه صادره، این افراد برای آن که شناسایی نشوند

قتل مادر و دختر با انگیزه شیطانی

مردی که مادر و کودکی را در باقرشهر به طرز هولناکی به قتل رسانده بود، سکوتش را شکست و به این جنایت به دلیل وسوسه های شیطانی اعتراف کرد.

به گزارش خبرنگار جام جم، بصیر ۲۰ ساله تبعه افغانستان متهم است بیست و هفتم اسفند سال گذشته زنی جوان و دختر هشت ساله او را در طبقه دوم ساختمانی در شهرستان باقرشهر تهران با ضربه های چاقو به قتل رسانده است. متهم هنگام فرار از محل توسط همسایه ها دستگیر شد. با حضور مأموران در محل حادثه اجساد مادر و دختر کشف و عامل جنایت که دستان و لباس هایش خون آلود بود برای تحقیقات به اداره دهم پلیس آگاهی تهران منتقل شد. او که در بازداشت به سر می برد پس از یک ماه تناقض گویی، سکوتش را شکست و گفت: مقتول همراه دختر و شوهرش در طبقه دوم ساختمانی مقابل کارگاه تولید پوشاک محل کار من زندگی می کردند. وقتی او با دختریه ساله اش از مقابل کارگاه عبور می کرد آنها را می دیدم. متوجه شدم شوهرش زمان زیادی در خانه نیست و بیشتر در محل کارش حضور دارد. وسوسه شدم این زن را در دام شیطانی ام گرفتار کنم. روز حادثه در محل کارم تنها و مشروب خورده بودم. مدام به ساختمان محل زندگی آن زن نگاه می کردم و آنجا را زیر نظر گرفته بودم که دیدم او پس از خرید در حال بازگشت به خانه است. وارد ساختمان که شد من هم وارد شدم. اطراف را بررسی کردم. در خانه آن

نجات ۸ گروگان از سیاهچال

بادستگیری عضو شبکه گروگانگیری، هشت گروگان افغان از سیاهچال ونجات پیدا کردند.

به گزارش خبرنگار جام جم، روزهای پایانی هفته گذشته زنی تبعه افغانستان به شعبه دهم بازپرسی دادسرای جنایی تهران آمد و با طرح شکایتی گفت: من و خانواده ام در یکی از ولایت های افغانستان زندگی می کردیم، شوهرم برای یافتن کار، ۵۰ میلیون تومان به قاچاقبری پرداخت تا او را برای یافتن کار به ایران منتقل کند. بعد از آن ارتباط تلفنی ام با او قطع شد و پس از چند روز فردی ناشناس تلفنی اطلاع داد شوهرم را در تهران به گروگان گرفته اند و اگر ۴۰۰ میلیون تومان نپردازیم او را به قتل می رسانند. وقتی دوباره تماس گرفتند و صدای ناله های شوهرم را شنیدم مطمئن شدم ربوده شده و به ایران آمدم تا برای آزادی او از پلیس کمک

از ماسک استفاده کرده و به رغم بی هویش شدن شهید، با میلگرد و سیم کابل ضربات متعددی (۱۹ بار) به بدن وی وارد کرده اند. دادگاه متهم را به اعدام محکوم کرد اما در مورد دو متهم دیگر، با توجه به گواهی های پزشکی قانونی و کمسیون پزشکی و این که جرم ارتكابی در سن کمتر از ۱۸ سال تحقق یافته و عدم رشد عقلی آنها مورد تأیید کمسیون های پزشکی قانونی قرار گرفت، هر کدام آنها را به حبس و نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم کرد. پرونده پس از صدور رأی دادگاه در دیوان عالی کشور بررسی و با تأیید حکم اعدام به اجرای احکام ارسال و یامداد یکشنبه اجرا شد.

زن رازدم و به دروغ گفتن همسایه هستم. همین که در را بازکرد، او را هل دادم و به زور وارد خانه اش شدم. با دیدن من وحش زده شد و فریاد زد و یا التماس خواست از خانه اش بیرون بروم. متهم به قتل ادامه داد: چاقوی روی سینک ظرفشویی را برداشتم. سمتش حمله کردم و می خواستم با زور و تهدید به او تجاوز کنم که مقاومت کرد. ترسیدم همسایه ها که با خبر شوند که با همان چاقو ۵۰۴ ضربه به او زدم تا ساکت شود اما باعث قتل او شدم. دختر هشت ساله اش در اتاق دیگری مشغول بازی بود که با شنیدن صدای مادرش بیرون آمد و با دیدن جسد مادرش شروع به گریه و فریاد کرد. دختر بچه مرا شناخته بود و به همین خاطر دو ضربه چاقو هم به آن کودک زدم و او را کشتم. چاقو را در خانه انداختم. در را باز کردم تا فرار کنم اما همسایه ها که با شنیدن سر و صدا به پشت در خانه آمده بودند با دیدن من به سمت حمله کردند و مرا به شدت کتک زدند. دستان و پاهایم را با طناب بستند و بعد با حضور مأموران مرا تحویل دادند.

سهرنگ مرتضی نثاری، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی پایتخت با تأیید این خبر به جام جم گفت: با اعتراف متهم و فاش شدن انگیزه او از این دو جنایت، صحنه قتل ها بازسازی و قرار شد برای بررسی سلامت روانی به پزشکی قانونی معرفی شود.



بگیرم. تحقیقات برای دستگیری آدم را و همدستانش ونجات گروگان جوان آغاز شد. این در حالی بود که تماس گیرنده مدام به خانواده او زنگ می زد و محل قرار را تغییر می داد. سرانجام تماس گیرنده از همسر مرد گروگان خواست ۴۰۰ میلیون تومان را تبدیل به دلار کند و در کیفی بگذارد و به بوستانی در حوالی محله نازی آباد تهران بیاورد. ماموران عصر روز دوازدهم اردیبهشت به محل قرار با آدم را رفتند و از زن خواستند کیف خالی را در محلی که گروگانگیر گفته قرار دهد. یک ساعت بعد مردی برای برداشتن ساک پول به آنجا آمد که بازداشت شد. متهم جوان برای ادامه تحقیقات به پلیس آگاهی تهران منتقل شد و گفت: مدت هاست در یک گاراژ در نازی آباد تهران مشغول کارم. یک ماه قبل با تعدادی از قاچاقبران آشنا شدم که اتباع افغان را به صورت غیرقانونی به تهران منتقل می کردند.



متن کامل را در جام چم آنلاین بخوانید

جام جم

حوادث INCIDENT

۱۱

دوشنبه ۱۴ اردیبهشت ۱۴۰۵ شماره ۷۳۱۲

عبدلیه

قتل عام خانوادگی به خاطر آب آرتمان



مرد ۴۴ ساله که به اتهام قتل پدر و خواهرش و زخمی کردن مادرش بازداشت شده، در تحقیقات قضایی مدعی شد چون پدرش خانه ای را که با پول او خریده بود، پس نداده دست به این قتل عام خانوادگی زده است.

به گزارش خبرنگار جام جم، مهرشاد ۴۴ ساله متهم است عصر یازدهم اردیبهشت در خانه سه طبقه شان در محله فرجام پدر ۷۵ ساله و خواهر ۳۴ ساله اش را به ترتیب با ۵ و ۱۱ ضربه چاقو کشته و مادر ۶۵ ساله اش را نیز با دو ضربه چاقو زخمی کرده است. قاتل بعد از این جنایت اقدام به خودزنی کرد که زنده ماند. متهم که در برابر اتهام دو فقره قتل و سوء قصد به جان مادرش قرار گرفته دیروز برای تحقیقات قضایی به شعبه دوم دادسرای جنایی تهران منتقل شد و در اظهاراتش گفت: در یک شرکت در تهران کاری می کردم که یکبار شدم. بعد از آن به هر دری زدم کاری درست و حسابی پیدا نکردم. همین باعث شد با همسرم دچار اختلاف شدیدی شوم و او تصمیم گرفت از پنج سال قبل با دو فرزند خردسال نزد خانواده اش بازگردد و با آنها زندگی کند. در این مدت نتوانستم شرایطم را درست کنم تا آنها را به خانه بازگردانم و همین باعث شد خانواده ام در بلاتکلیفی بمانند. بارها با خانواده همسرم سر همین موضوع دگیر شدم. شرایط روحی ام بابت این اتفاقات به هم ریخته بود و حال و روز درستی نداشتم.



متن کامل را در جام چم آنلاین بخوانید

ورزش

برش

نگاه آینده نگرانہ پیاتزا

رحمان محمدی را، مربی تیم ملی در حاشیه تمرین ملی پوشان، با قدردانی از حمایت های فدراسیون و وزارت ورزش و جوانان برای آغاز اردوها گفت: جایگاه والیبال در میان مردم بسیار ویژه است و امروز توقعات از این رشته بیش از هر زمان دیگری است. به عنوان نمایندگان این مردم، وظیفه داریم توانایی و روحیه والای ایرانی را در میدان های بین المللی به تصویر بکشیم. او با اشاره به هم قسم شدن بازیکنان و کادر فنی، افزود: همه تحت تاثیر شرایط اخیر کشور هستیم و از نخستین روز تمرین به یکدیگر قول دادیم با تمام وجود تلاش کنیم تا با نمایش قدرت والیبال ایران، بار دیگر بذر امید را در دل مردم بیدار کنیم. به میدان نمی رویم که شکست بخوریم یا به دنبال غدر و پنهان و دلسوزی دیگران باشیم؛ هدف دفاع مقتدرانه از اعتبار والیبال و نام ایران است. مربی تیم ملی درباره وضعیت روبریزو پیاتزا سرمربی تیم ملی توضیح داد: پیاتزا همواره با ما در ارتباط است و قبل از شروع تمرین هم پیامی برای آغاز تمرینات ارسال کرد. ایشان به دلیل مشغله های باشگاهی در این مرحله حضور ندارد. اما در اردوی دوم به جمع ما اضافه خواهد شد. طبق برنامه ریزی ها، پس از پایان تمرینات تهران، راهی استانبول خواهیم شد که در آنجا پیاتزا و توتولو به تیم ملحق می شوند. وی در خصوص لیست ۲۳ نفره بازیکنان دعوت شده خاطرنشان کرد: نگاه پیاتزا کاملاً آینده نگرانہ است.



فریادشان موقع خوشحالی با عصبانیت حین تمرین سالن را کر می کرد؛ از اکثریت دهه هشتادی حاضر در تمرین گرفته تا باتجربه ترهای دهه هفتادی مثل امین اسماعیل نژاد، محمدرضا حضرت پور و بقیه.

این تمرین در حالی برگزار شد که تعدادی از لژیونرها و همچنین بازیکنان تیم فولاد سیرجان در آن حضور نداشتند، اما با این وجود، سطح انرژی و انگیزه بازیکنان حاضر کاملاً محسوس بود. ملی پوشان با جدیت بالا و تمرکز قابل توجه کار خود را آغاز کردند تا نشان دهند رقابت سختی برای قرار گرفتن در فهرست نهایی تیم ملی در پایش است و هیچ جایگاهی از پیش تضمین شده نیست. در این میان، اگرچه روبرتو پیاتزا در تمرین حضور نداشت، اما همه چیز زیر نظر او پیش می رود. سرمربی ایتالیایی از راه دور روند اردو را دنبال می کند و قرار است به زودی، احتمالاً در اردوی تدارکاتی ترکیه، به جمع شاگردانش ملحق شود تا تیم ملی ایران، با ترکیبی کامل، خود را برای سالی بزرگ آماده کند.

در ادامه، حضور محمدشروین، معاون وزیر ورزش و جوانان، رنگ رسمی تری به این تمرین بخشید. بازیکنان دور هم جمع شدند و سپس میلاد تقوی، رئیس فدراسیون والیبال، با سخنانی کوتاه از آنها خواست تا با تمام توان برای خوشحالی مردم ایران تلاش کنند. پس از او، اسبقیان نیز دقایقی با ملی پوشان سخن گفت و بر اهمیت پیش رو تأکید کرد. در میان این صحبت ها، احسان دانش دوست به عنوان یکی از چهره های باتجربه تیم نیز لب به سخن گشود و از مسئولیت سنگین این پیرهن گفت؛ پیراهنی که هر بار بر تن بازیکنان می نشیند، داستانی تازه می سازد.

یکی از لحظات جالب این مراسم، به ابتکار فدراسیون برای امضای یک توپ یادگاری بازمی گشت. توبی که قرار است در موزه فدراسیون نگهداری شود. پس از پایان این مراسم، نوبت به اصل ماجرا رسید؛ تمرین. بازیکنان بر تعداد و پراقرزی، وارد فاز آماده سازی شدند. تمرینی نسبتاً پرفشار که نشان می داد مسیر پیش رو آسان نخواهد بود و از همین ابتدا باید با جدیت آغاز شود. بازیکنان تیم ملی والیبال ایران در اولین جلسه تمرینی خود طوری تمرین می کردند که انگار آخرین تمرین قبل از اعزام تیم به مسابقات است و قرار است پیاتزا لیست نهایی خود را مشخص کند؛ جوری که صدای

خبرنگاران با اشتیاقی کم نظیر، اطراف بازیکنان حلقه زده بودند و هر گوشه ای به گفت وگو و ثبت لحظه ها اختصاص داشت. جایی برای میکروفون ها باقی نمانده بود و زمزمه های بازیکنان نیز نشان می داد که خودشان هم از این استقبال غافلگیر شده اند.

دو نفر از بازیکنان وقتی حضور پرتعداد خبرنگاران را مشاهده کردند به هم گفتند: «خوبه پیاتزا هنوز نیامده وگرنه فکر کنم تعداد خبرنگاران از بازیکنان هم بیشتر می شد.» نکته جالب دیگر در بین بازیکنان این عدم اطمینانی بود که روبرتو پیاتزا در ذهن و افکار آنها ایجاد کرده است. وقتی با هر کدام از آن ها (حتی باتجربه ترین ستاره ها) هم کلام می شدیم هیچکدام از آنها از اینکه مسافر لیگ ملت ها باشند مطمئن نبودند؛ این رقابت شورانگیزی است که مرد ایتالیایی در تیم ملی ایجاد کرده است که حتی یک نفر هم در حاشیه امن نیست. اما اوج این فضای احساسی، پیش از شروع تمرین رقم خورد؛ جایی که تصاویر کودکان شهید مدرسه میناب روی سکوها قرار گرفت. بازیکنان و اعضای تیم ملی، با چهره هایی جدی و اندوهگین، با اهدای گل به این تصاویر ادای احترام کردند و یاد آنها را زنده نگه داشتند. لحظه ای که سکوت سالن، گویناثر از هر کلامی بود.

دلتنگی به پایان رسید؛ همان حس آشنایی که هر سال با شروع تمرینات تیم ملی والیبال ایران جان می گیرد. این بار هم به سراغ هواداران آمد. تیمی که سال هاست میان اضطراب و شادی، دل میلیون ها ایرانی را با خود همراه کرده، حالا پس از حدود شش ماه سکوت، با تمرینی متفاوت و احساسی، دوباره به زمین بازگشته تا قصه ای تازه را آغاز کند.

تمرینات تیم ملی در حالی استارت خورد که سال ۲۰۲۶، سالی سرنوشت ساز برای این تیم به شمار می رود. پیش رو، دو آوردگاه بزرگ قرار دارد؛ نخست لیگ ملت ها که به یکی از محبوب ترین تورنمنت های والیبال جهان تبدیل شده و سپس رقابت های قهرمانی آسیا در ژاپن، جایی که تنها قهرمان آن بلیت مستقیم حضور در المپیک را به دست خواهد آورد.

اما شروع این اردو، تنها یک بازگشت ساده نبود. فدراسیون والیبال تصمیم گرفت از همان روز نخست، درهای سالن یزدانی خرم را به روی خبرنگاران باز کند. تصمیمی که نتیجه اش حضور پرتعداد اصحاب رسانه بود؛ حضوری فراتر از انتظار، حتی در غیاب لژیونرها و سرمربی تیم.

فضای سالن، از همان ابتدا حال و هوایی متفاوت داشت.

